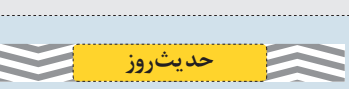




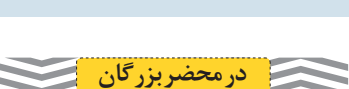
• چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۷۰



امام صادق (ع): صلہ رحم و با همسایه به نیکی رفتار کردن، خانه هارا آباد و عمر هارا طولانی می کند.

وسائل الشیعه

ذکر روز چهارشنبه
**صد مرتبه یا حی یا قیوم،**



**در محضر بزرگان**

**سرعت گذر عمر**

علامه محمدتقی جعفری فرموده اند:

هر اندازه فاصله بین ناظر و جسم متحرک زیادتر باشد، حرکت آن جسم کندتر می نماید. فقط در آن هنگام که پس از سپری شدن سالیان عمر به عقب بر می گردیم، تا حدودی سرعت گذشت زمان را درک می کنیم. فراموش نمی‌کنم روزی بر بالین یک بیمار نشسته بودم که حدود نود سال از عمرش گذشته بودو دوز بعد از دنیا رفت. در آن روزی که هنوز هوش و درک خود را از دست نداده بود، از وی پرسیدم: سالیان گذشته عمر خود را چگونه درک می کنید؟ او پلک های چشمش را روی هم گذاشت و فوراً باز کرد و گفت: «چنین چیزی با چنین سرعتی».

برگرفته از موسسه تدوین و نشر آثار علامه



**خلوتی نیست**

صاحب‌دلی را در د پایب عارض شد. یکی از محرمان که بر آن حال ووقف داشت در خلوتی بدو گفت که من از سر گذشتگان این درگاهم و از هر سرگذشتی آگاه. اکنون روزگاری است دراز که از عارضه در پای شما اطلاع دارم و هیچ نمی بینم که در خلوت پای خویش دراز کنید. گفت: ای فرزند، قصه کوتاه کن که هنوز خلوتی ندیده‌ام، چه، هر کجا که نشستم حضرت حق عز و علا را حاضر و ناظر یافتم. قاتیاً اگر ادب این است و بندگی

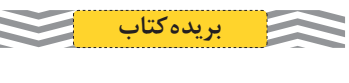
خاکت به فرق باد که با خاک همسری نی نی سرشت خاک سر ایاتواضع است ای آسمان کبر، تواز خاک کمتری

**برگرفته از کتاب: پریشان، اثر قاتنی**



**سید مصطفی صابری**

• وقتی مادیات دورت را شلوغ کنند نمی توانی با وجدانت خلوت کنی.
• آدمی به ذوق، پشت پنجره باز به سوی مناظر، لولای رنگ زده را می بیند.
• وقتی فر هنگ جامعه خواب است سرعت ادبی راحت می شود.
• وجدان پر از هیچ وقت باز نشسته نمی شود و وجدان بیکار هیچ وقت استخدام.
• اگر چشمانت را ببندی هیچ تلاشی چشم گیر نخواهد بود.



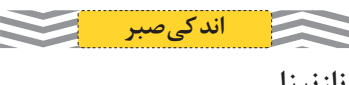
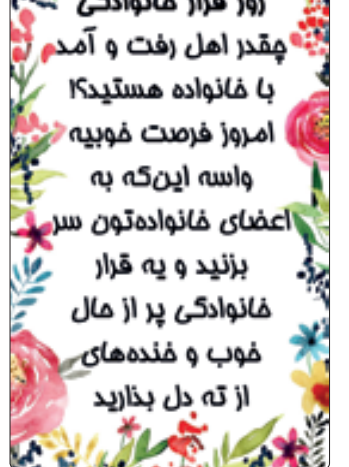
**عشق افشاگری می کند**

عشق به آدمی این توانایی را می بخشد که قیافه واقعی خود را نشان دهد، شگفته شود، سلاح های دفاعی خود را از دست بدهد... به عبارتی، آدمی به جای آن که خویشتن واقعی خود را پنهان سازد، می گذارد چهره واقعی اش دیده شود. ما در روابط عادی خود با اطرافیان تا حدودی مر موز هستیم و نمی گذاریم طرف مقابل پی به خویشتن واقعی ما ببرد، اما در رابطه عاشقانه نمی توانیم چهره واقعی خود را پنهان کنیم.

**برگرفته از «زندگی در اینجا و اکنون» اثر آبراهام مزلو**



**قرار مدار**



**ناز نینا**

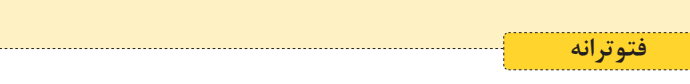
*فاطمه انیسبی*

ناز نینا!
مرا بغلی فرست
شاید آرام گیر دل این بی تاب
هان!
از در آشتی در آ
تا فروزید این شب د تار

**دنیا به روایت تصویر**



**آلامی** | جشنواره مجسمه های ساحلی، استرالیا



**فتوترا نه**

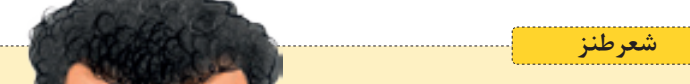


**دیروز نامه**

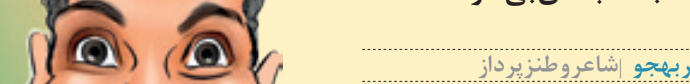


**این قسمت: راز های قبض یک وزیر**

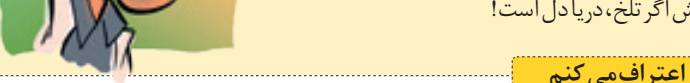
فکر نکند گاهی در بعضی موارد فقط سرما مردم است که کلاه می‌رود و زیان می‌بینیم، بد نیست بدانید که خود مسئولان هم در امان نیستندو این موهبت نصیب ایشان هم می‌شود تا از درد مردم آگاه شوند. فقط کلاهی که سر مسئولان می‌ود یک تفاوت کوچک با کلاهی که سرما می‌ورد دارد، آن هم این که کلاه آن‌ها به گشادی کلاه ما نیست و آسمان و بایک اشاره از سرشان در می‌آید ولی کلاه ما تا خرخره و حتی پایین تر هم می‌رود و به این راحتی‌ها از سرمان بیرون نمی‌آید! در نمونه تاز هاش، وزیر ارتباطات در برنامه حال‌خوشد گفت: «قبض موبایل من یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان آمد! نه، خوشحال نشوید، چون بلافاصله آقای وزیر ادامه دادند که با مخابرات تماس گرفتند و موضوع ختم به خیر شد! حالا اصلاً بحث ما این چیزها نیست، وزیر هستند و دارند و می‌توانند و اصلاً به ما چه، موضوع مهم‌تری بر ایمان سوال شده و آن هم این که مگر آقای آذری جهرمی با تلفن‌شان چه کار می‌کنند که چنین قبضی برایشان صادر شده؟ بر فرض نصف مبلغ قبض یعنی ۶۰۰ هزار تومان را برای مکالمه ضروری بگیریم و رتق و فتق امور وزارت خانه، ۵۰ هزار تومان هم صحبت‌های خانوادگی با اهل و عیال، ۵۰ هزار تومان پیامک پاسخ به دستورات خرید خانه و تشکر از تبریک تولد و باقی قضایا. ۵۰، اصلاً ۱۰۰ هزار تومان هم بسته‌های ارزش افزوده زور کی، یعنی بقیه مبلغ اینترنت است؟ یعنی آقای وزیر چه استفاده‌هایی از اینترنت می‌کند که ما نمی‌کنیم؟ مگر به جز سر زدن به کانال‌های خبری و جوک و اطلاعات عمومی و پرفسور سمیعی و سخن بزرگان دکتر حسابی و دیالوگ‌های ماندگار استاد پرستویی و طرز برخورد با اعضای خانواده آقایون فری... چه کارهای دیگری با اینترنت گوشی می‌کنند؟ کاش مسئولان بگویند اول این که با این سرعت و فیلترها چه استفاده‌ای از اینترنت می‌کنند و بعدش هم چطور با یک تلفن می‌توانند قبض‌شان را کم کنند؟ کاش مسئولان ما را هم محرم راز هایشان بدانند!



**شعر طنز**



**دوشنبه شب های بی «نود»**



**اعتراف می کنم**



**ترسانک**



خانه نوساز بود و آن‌ها اولین ساکنان آپارتمان بودند. هنوز برق راه پله‌ها و آسانسور وصل نشده بود. طبق معمول روز چراغ قوه تلفنش را جلوی پای همسر و فرزندش انداخت تا بالا بروند. پسرش شعری را که تازه یاد گرفته بود، می‌خواند و مجبور بودند با حوصله گوش بدهند تا به واحدشان برسند. تلفنش زنگ

خورد و چراغ قوه خاموش شد. شماره ناشناسی بود. در تاریکی جواب داد، اشتباه گرفته بود.

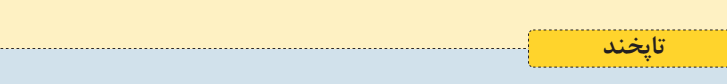
دوباره چراغ قوه را روشن کرد ولی خبری از همسر و فرزندش نبود. نورا به اطراف تاباند، راه پله خالی بود. صدایشان زد. کسی پاسخ نداد.

او حدشان دودید، خانه خالی بود. صدای شعر پچ‌اش از بالای راه پله‌ها آمد. نفس زنان به سمت پشت بام دودید. قفل بزرگی از در پشت بام آویزان بود. یک لنگه کش پچه روی زمین بود، برداشت. پایین دودید و هراسان وارد کوچه شد. همسایه کناری داشت باغچه را آب می‌داد. پرسید: «زن و بچه من رو ندیدین؟» همسایه با تعجب نگاه کرد و گفت: «مهندس مگه شما زن و بچه داشتی؟ چطور تو این چند ماه ندیده بودیمشون؟! به کش توی دستش نگاه کرد، از گوشی اش یک شعر کودکانه پخش می‌شد.

ع.ک

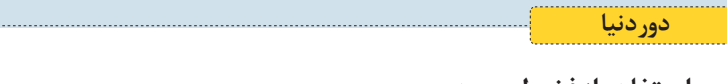


**رویترز** | آغاز مسابقه بین المللی قایق رانی، ایتالیا



**تاپخند**

• دکتر تغذیه من وانتی محله. هرچی بار بزنه تایک هفته همون رو می‌خورم. خرما، نارنگی، خربزه، شویبد!
• از اعتماد به نفس تون خوشم میاد. فکر می‌کنین سوال هایی که تو استوری می‌ذارین و بهتون جواب میدن واسه ما مهمه!
• گاهی اوقات زنگ می‌زنم به مامان و بابام و گوشی رو می‌ذارم تو جیبیم که فکر نکن دستم خورده، از خوبی‌های خانواده‌ام حرف می‌زنم، شیش که میری خونه حس عجیبیه!
• اگه یک تکه فلز پیدا کردین و شک دارین که طلاست یا نه، بندازنیش تو جیوه، اگه طلا بود از بین میره!
• شما هم فامیل هاتون از اینترنت عکس غذا داللود می‌کنن می‌ذارن استوری میکن بفرمایید؟!
• تو این هوا شما سقف کروک ماشینت رو ببند سرما نخوری، من خودم با دو چرخه‌ام دنبالت میام هر جارتی میگم ماشینت کروکه!
• رفتم شلوار بخرم فروشنده نیم ساعت قسم می‌خورد خودش الا باید دو برابر پول بده همین جنس رو بخره. تخفیف که نگرفتم هیچی مجبور شدم به پولی هم همین جوری بهش بدم ضرر نکنه!
• خوبی این گرونی‌ها اینه که کیفیت محصولات هم رفت بالا. مثلاً این پاوربانکم تا وقتی ۵۰ تومن بود ازش استفاده نمی‌کردم. از وقتی فهمیدم ۲۰۰ شده دایم باهامه!
• من و یکی از رفیق هام ترم اول ریاضی یک روپاس کردیم ترم بعدش رفیق هامون رو که افتاده بودن، مسخره می‌کردیم. همون ترم ۱۲ واحد افتادیم مشروط هم شدیم. از اون به بعد تصمیم گرفتیم فقط پولدار ها رو مسخره کنیم!



**دور دنیا**

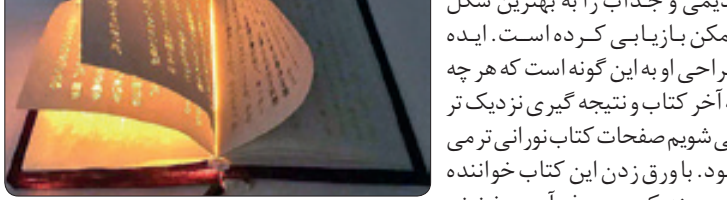


**سوء استفاده از فضولی مردم**

**آدیتی سنترال** - آیا حاضرید ۹۹ سنت پرداخت کنید تا فهرست نام افراد دیگری را که آن‌ها هم ۹۹ سنت پرداخت کرده‌اند، ببینید؟! سانی با عنوان «۹۹ سنت» از هر کسی که بخواند نام افراد فهرست را که بدون هیچ دلیلی این مبلغ را پرداخت کرده‌اند بپسند، ۹۹ سنت پول می‌گیرد. شاید ۹۹ سنت مبلغ بالایی نباشد اما عده بسیار زیادی برای دیدن فهرست نام افراد دیگر حاضر شده‌اند این پول را پرداخت کنند و روزانه هزاران بار مبلغ ۹۹ سنت به حساب این سایت بی‌نام‌ونشان واریز می‌شود!

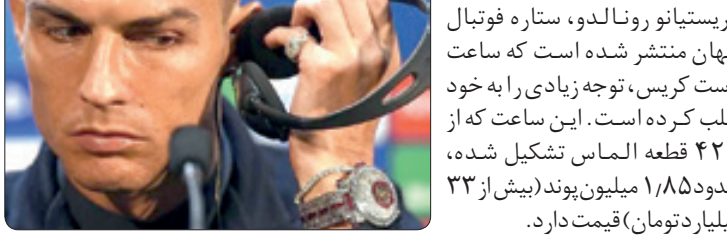


**دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است!**



**سی‌ان‌ان** - در سال ۱۹۳۴ یک دختر ۱۱ ساله کتاب مجموعه شعرهای «داگ‌لار لی» را از یک کتابخانه به امانت می‌گیرد و بعد از ۹ دهه توسط پسرش در یک خانه تکانی بهار پیدا می‌شود! این کتابخانه که در لوئیزیانا واقع است، پس از گرفتن کتاب در یک

پست فیس بوکی نوشت: «دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است. به هر حال عملکرد این مرد قابل تحسین است که کتابی را که سال‌ها پیش مادرش به امانت گرفته بود، به کتابخانه برگرداند.» هر چند این مرد بعد از پس دادن کتاب، از دادن جریمه تاخیر ۸۴ ساله خودداری کرد!



**منتخب های چی میشه**



**دربست آر استان!**



رو انتخاب کردیم که می‌خویند، به شعر هم داشتیم که بهش می‌خور در پ باشه و آور دیمش! دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

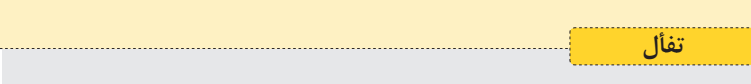
• بسرم کمی پول واسه پیری، کوری تو تشکم مخفی کرده بودم، اما حالا با این اوضاع دلار و ریال و پارچه و نخ، تشک مال من، پول‌ها هم مال تونه!
**اعظم‌ابن حسینی، مشهد**
• راننده: این سکه‌ها برای چیه؟! پیرزن: اینا انعام از طرف منه! اگه موقع رانندگی این همه به مسافر پاشتن کنی، بیشتر اونا هم به تو انعام میدن!
**محترم درودی**
• پیرزن به محض ورود به اتوبوس، تمام پول‌های سکه خود را به رسم امانت به راننده می‌دهد! راننده ازش می‌پرسه: چرا همش سکه؟! پیرزن: آخه اسکناس‌هاش رو تو اتوبوس قبلی در دیدن!
**سید حسین آروند**

• مردی در اتوبوسی بود راننده، پیرزن عطا کرد به او چند دانه، با دانه نمی‌رود دست رو دند، بی‌مزد و موجب دست من هم بنده!

**میلاد دستیار**



**تلگراف** | بادکنک فروش دوره گرد، نیال

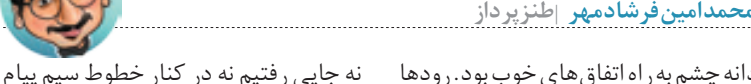


**تفال**

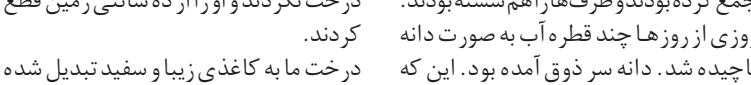
گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر خرم آن روز که بادیده گریان بروم



**از اون لحاظ**



**فارغ ز غوغای جهان در خاک**

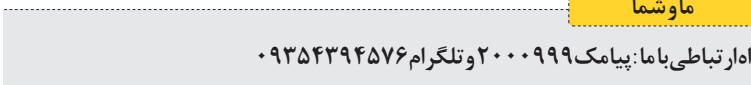


**محمد امین فر شادمهر** | طنز پر داز

نه جایی رفتیم نه در کنار خطوط سیم پیام رو بیدیم. آن دو مرد اما تو چچی به حرف‌های درخت تکر دند و او را از ده سانتی زمین قطع کردند.
درخت ما به کاغذی زیبا و سفید تبدیل شده بود و آمادگی چاپ متون ارزشمند را روی خودش داشت. بعد از چندبار جابه‌جا شدن، کاغذ قصه ما فهمید قرار است در بخش دانه دلش می‌خواست بدون چتر به دشت و روی سطح زمین بعد از شستن آن‌ها بود، چیزی از حس و حال شاعرانه دانه نمی‌کاست. دانه دلش می‌خواست بدون چتر به دشت و صحرای بزد و زنگار وجودش را با قطره‌های آب پاک کند. البته به منبع قطره‌های آب که فکر می‌کرد ترجیح می‌داد زنگار و جودش را با دستمال کاغذی پاک کرده و آن قطره‌ها را صرفاً جهت رشد و نمو استفاده کند. دانه با برنامه‌ریزی صحیح توانست رشد کند و به سطح زمین برسد. سرش را که بیرون آورد و وضعیت سطح زمین را که دید، از جمع حاضر عذرخواهی کرد و گفت من برم همون داخل زمین به دور بزنم باز مزاحمتون می‌شم! اما راهی برای برگشت نبود.
دانه که حالا درختی برای خودش شده بود، با هزار بدبختی و جان‌کندن خرج و مخارج فتوستنیز برگ‌هایش را در می‌آورد. یک‌روز دو مرد دتبر به دست سرغش آمدند. او گفت جناب ما که کاری نکردیم، نه صدامون در اومده



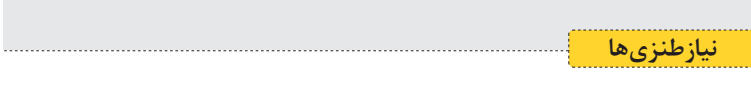
**یادش به خیر**



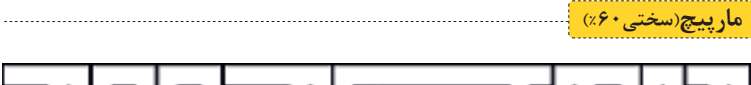
**ماوشما**

راه ارتباطی با ما: پیامک ۰۹۹۰۲۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

ما هیچ‌م بعضی‌روزها خیلی آسونه، بعضی‌روزها خیلی سخت، ولی اونم خوبه. ممنون
• هر جم‌جان، تولدت مبارک عزیزم. چقدر خوش به حال من است که تو ادارم...
**همسرت، حسین**
• باز چرا ترسانک ندارین؟ یادتون میره یا تکفیزتون به ته دیگ خورده؟!
**آرمین ورفقا**
• فرشته من، همسر خوبم، سالروز به دنیا آمدنت خیلی مبارک باشه. خیلی خوبه که به این دنیا آمدی و الان کنارمی. رمز همیشگی مون ناپلئونی
• در نبودت به کسی باح‌ندام هرگز، کاروان نیست که دل، هر که به جایت آید...
**مسعود مجنونپور**



**نیاز طنزی‌ها**



**مار پیچ سختی ۶۰**

